

نهاد خانواده به منزله نخستین گروه اجتماعی، نقشی تعیین کننده در انتقال مفاهیم و آموزه‌های دینی به نسل‌های آتی دارد. از این منظر، خانواده برای حضور و نفوذ دین در فرایندهای اجتماعی، ضرورت کارکردی دارد. اهمیت نقش جامعه‌پذیری دینی خانواده در جامعه، به تعامل دین به عنوان یک خرده‌نظام فرهنگی با دیگر خرده‌نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برمی‌گردد. دین به مثابه نظامی اعتقادی و الگوهای رفتاری، در سراسر تاریخ یکی از مؤثرترین دژهای بشر در برابر بی‌هنجاری بوده است (همیلتون، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲)؛ به طوری که با قدرت تولید ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی (کلمن، ۱۹۸۸) سبب خلق هویت ثابت و ایجاد روابط مداوم، غیرحسابگرانه و هنجارین در اجتماع می‌شود (روبرتسون، ۱۹۷۸). مذهب با قدرت معابخشی جهان، به معنای تفسیر و القای معنای نظم جهان بیرونی برای مؤمنان، موجب حل بحران معنا و ایجاد هنجارهای گروهی و مشروعیت ارزش‌های جمعی است (برگر، ۱۹۷۴). لذا دین به منزله مهم‌ترین گنجینه سرمایه اجتماعی (پاتنام، ۲۰۰۰، ص ۴۶) زمینه را برای روابط مطمئن و مسئولیت‌پذیر میان اعضای خانواده فراهم می‌آورد (همیلتون، ۱۳۸۷، ص ۱۷۸).

دین با قابلیت تولید عقلانیت معطوف به ارزش موردنظر ویر، زمینه را برای افزایش وجدان جمعی و انواعی از کنش‌های اجتماعی نوع‌دوستانه فراهم می‌آورد. جوامع مدرن با گسترش عقلانیت مبتنی بر فردگرایی و تحلیل هزینه-پاداش، نیازمندی به آموزه‌های دینی را در تولید هنجارهای مسئولیت‌گرایانه افزایش داده‌اند. اگرچه در دنیای مدرن، نقش تربیت دینی خانواده به دیگر نهادها و سازمان‌های اجتماعی نوظهور محول شده است، تأثیر تربیت دینی والدین قابل چشم‌پوشی نیست. تغییرات اجتماعی معاصر بر ساختار و کارکرد خانواده و نهایتاً چگونگی فرایندهای تربیتی، تأثیرات گسترده‌ای بر جای گذاشته است. جامعه معاصر با شکل‌دهی فرایندهای تولیدی جدید، نهادهای آموزشی و تغییرات ارزشی، موجب تولید انواعی از سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی در خانواده‌ها شده است. افراد با کسب انواعی از مشاغل و تحصیلات مختلف در سطوح متمایزی از پایگاه اقتصادی-اجتماعی جاگیری می‌شوند. تمایز در پایگاه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی (SES) موجب تغییر در ماهیت و چگونگی فرایندهای تربیتی در خانواده خواهد شد.

سطوح متمایز پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سطوح متمایزی از ذهنیت و عینیت را برای آموزه‌های دینی در اختیار والدین قرار می‌دهد. ابزارهای مادی و فکری والدین در پایگاه اقتصادی-اجتماعی،

بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین بر دین‌داری فرزندان

جابر میرزاپوری / دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات تهران و پژوهشگر پژوهشگاه امام صادق (ع) mirzapouri_j@yahoo.com
دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۵

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی چگونگی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین بر میزان و ابعاد دین‌داری فرزندان تدوین، و در آن از روش پیمایش، با جمعیت نمونه ۳۳۹ نفری از میان دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شهر شیراز استفاده شده است. روایی و پایایی پرسش‌نامه توسط اعتبار صوری و آلفای کرونباخ (۰/۷۱) مورد سنجش قرار گرفته است. تحلیل و بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان دین‌داری پاسخ‌گویان در ابعاد مختلف اعتقادی، ایمانی، اخلاقی، عبادی و تکلیفی متمایز است. میان تحصیلات والدین و میزان دین‌داری فرزندان رابطه معناداری وجود دارد. با افزایش درآمد والدین، میزان دین‌داری فرزندان کاهش می‌یابد. نوع دین‌داری فرزندان در پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی مختلف والدین، متمایز است؛ به این معنا که در هر سطح از پایگاه اقتصادی-اجتماعی، بُعد خاصی از دین‌داری حاکم است؛ با افزایش پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین، میزان دین‌داری فرزندان نیز کاهش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: پایگاه اقتصادی-اجتماعی، والدین، میزان دین‌داری، ابعاد دین‌داری.

موجب می‌گردد تا آنها از روش‌های ویژه‌ای برای تربیت، از جمله تربیت دینی بهره بگیرند. این روند متمایز، موجب جامعه‌پذیری متمایز دینی و در نهایت نگرش و رفتار دینی خاص برای فرزندان در پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف می‌شود. از این منظر، بخشی از تمایزات رفتارهای دینی افراد در جامعه، با پاسخ‌گویی به چگونگی رابطه میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین و تربیت فکری و رفتار دینی فرزندان، قابل تبیین و پیش‌بینی خواهد بود؛ اینکه آیا رابطه میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین بر نوع تربیت دینی فرزندان یک تأثیر قابل پیش‌بینی و معنادار است؟ به این معنا که پایگاه اقتصادی - اجتماعی چه تأثیری بر دینداری از لحاظ میزان و ابعاد می‌گذارد؟ چه ارتباطی میان سطوح مختلف پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سطوح دینداری و ابعاد دینداری وجود دارد؟ هر سطح از پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین چه میزانی از دینداری را برای فرزندان قابل پیش‌بینی می‌نماید؟ در هر سطح از پایگاه اقتصادی - اجتماعی چه بُعدی از دینداری حاکم است؟

اگرچه پژوهشی با این عنوان در ایران صورت نگرفته است، پژوهش‌هایی به بررسی نقش والدین در دینداری فرزندان پرداخته‌اند. پژوهشی با عنوان «سنجش دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن» با هدف بررسی نقش آژانس‌های جامعه‌پذیری (خانواده، مدرسه و ارتباط جمعی) به همراه عملکرد روحانیت، عام‌گرایی و پایگاه اجتماعی بر ابعاد دینداری صورت گرفته است که نتایج، نشان از تأثیر بالاتر نقش والدین نسبت به متغیرهای مدرسه، عام‌گرایی و روحانیت در میزان دینداری افراد داشته است (نیکخواه، ۱۳۸۰، ص ۱). پژوهش *رایت* و *رایت* با عنوان «طبقه اجتماعی و ارزش‌های فرزندان» نیز بر تأثیر ارزش‌های والدین برای فرزندان به‌ویژه بر مؤلفه خودرهبی در مقابل همنوایی تأکید دارد. آنها معتقدند که خانواده در قشرهای مختلف، به توسعه نظام‌های ارزشی گوناگون و در نهایت جامعه‌پذیری متمایز فرزندان می‌پردازد. بر اساس بررسی‌های این پژوهش، متغیر تحصیلات واجد قدرت تبیینی و پیش‌بینی‌پذیری بالاتری نسبت به دیگر متغیرهای طبقه اجتماعی است (کشاورز، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

فرانسیس و کارتر در تحقیقی که در سال ۱۹۸۰ درباره دانش‌آموزان دینی و غیردینی در انگلستان انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که رفتار مذهبی والدین دارای همبستگی مثبت (۴۹ درصد) با رفتارهای فرزندان آنها است. هانس برگر و براون هم در سال ۱۹۸۴ دریافتند که آموزش مذهبی در والدین به‌ویژه توسط مادران اثری مستقیم و مثبت بر مذهبی بودن کودکان دارد. گیسیون نیز در پژوهشی که در سال ۱۹۹۰ درباره ۲۷۱۷ نفر از نوجوانان ۱۴-۱۵ سال انجام داد، به این نتیجه رسید که همبستگی بین حضور پدران و مادران در کلیسا با نگرش‌های فرزندان آنها به مسیحیت به ترتیب ۴۰ و

۵۰ درصد، و همبستگی حضور پدران و مادران در کلیسا با حضور فرزندان آنها در کلیسا به ترتیب ۶۵ و ۵۶ درصد است (هالامی و آرچیل، ۱۹۹۷، ص ۹۹). نتایج برخی پژوهش‌ها، نشان از تأثیر نوع فضای خانوادگی بر میزان باورهای دینی فرزندان دارد. درباره اینکه والدین نقش مهمی در تحول و تربیت دینی فرزندان دارند، این بررسی‌ها نشان می‌دهند که نگرش دینی فرزندان، نسبت به نگرش دینی والدین اختلاف قابل توجهی ندارد (صادقی و مظاهری، ۱۳۸۶، ص ۴۷۲).

پژوهش حاضر با بررسی «رابطه میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین بر میزان و نوع دینداری فرزندان» از لحاظ موضوعی و مکان مطالعه جدید به‌شمار می‌آید. وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی دینداری در سنجش میزان دینداری پاسخ‌گویان یکی از نوآوری‌های این پژوهش محسوب می‌شود که در تحقیقات مشابه داخلی و خارجی کانون توجه قرار نگرفته است. بررسی تأثیر متغیر تحصیلات والدین در میزان و نوع دینداری فرزندان در این پژوهش، با توجه به گسترش سریع نهادهای آموزشی در ایران و امکان تحول سرمایه فرهنگی والدین، درخور توجه و بااهمیت است.

مبانی نظری پژوهش

از همان اوایل شکل‌گیری جامعه‌شناسی، دین مورد توجه جامعه‌شناسان کلاسیک قرار گرفته بود؛ زمانی که دین قدرت سنتی خود را در نتیجه تحولات عظیم دوران پس از رنسانس از دست داده بود و بنابراین اندیشمندان علوم اجتماعی در پاسخ‌گویی به چرایی و چگونگی تغییرات نهاد دین در جامعه، به بررسی آن مبادرت ورزیدند. هم‌زمان با روند توسعه اقتصادی - اجتماعی دوران مدرن، تغییری در ماهیت و ساختار دیگر نهادهای اجتماعی روی داد. تولید به‌منزله مبنای شکل‌بندی طبقات اجتماعی، موجب دگرگونی در وضعیت اشتغال، ارزش‌های اجتماعی، سطح تحصیلات، آگاهی و نهایتاً تغییر در افکار، نگرش و رفتار انسان در عرصه اجتماعی شد. به بیانی دیگر روابط و شیوه‌های جدید زیستن دوران مدرن، موجب شکل‌گیری نهادها و ساختارهای اجتماعی مدرن گشت. بر اساس رابطه دیالکتیکی میان ذهنیت و عینیت، سازمان‌ها و ساختارهای جدید اجتماعی، تغییر افکار و کنش‌های اجتماعی را رقم زدند.

این روند موجب شد تا اندیشمندانی چون کارل مارکس و امیل دورکیم با توجه به تحولات گسترده اقتصادی - اجتماعی اروپای قرن هجدهم، تغییر در نهادهایی چون دین را به‌منزله متغیر وابسته کانون توجه قرار دهند. آنها تحولات دینداری را بر مبنای شاخصه‌های اقتصادی و اجتماعی تحلیل

کرده‌اند. مارکس با مبنا قرار دادن واقعیات مادی در تحلیل تغییرات اجتماعی، دین و اعتقادات مذهبی را محصول جامعه‌ای طبقاتی قلمداد کرده بود (همیلتون، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱). به‌زعم مارکس، تولید مبنای شکل‌بندی افکار مذهبی است (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۴۹-۴۶). به عبارتی، روند تغییر در ابزار و شیوه‌های تولیدی موجب تغییر در اعتقادات مذهبی در جامعه شده است. افراد با بهره‌گیری از شکل و شیوه خاص در عرصه تولیدی، به نوع خاصی از دین‌داری مبادرت می‌ورزند؛ به طوری که صاحبان یک نوع شغل خاص تولیدی، نوع خاصی از کنش‌ورزی دینی را برمی‌گزینند.

دورکیم روند تأثیرپذیری مذهب را به چرخش‌های اجتماعی معطوف می‌داند. به‌زعم وی، باورها و رفتارهای مذهبی همراه با تغییرات و فرایندهای اجتماعی متحول می‌شوند (اشلی، ۱۹۹۵، ص ۱۱۵). تغییر در ساختار و مرفولوژی، موجب تغییر در اعمال و رفتارهای مذهبی می‌گردد (اسواتز، ۱۹۸۸، ص ۷۵). ماکس وبر بر رابطه دیالکتیکی میان مذهب و اقتصاد تأکید می‌ورزد. او از سویی روحیه سرمایه‌داری را متأثر از اخلاق مذهبی تحلیل می‌کند و از سوی دیگر، شیوه زندگی دینی را نیز متأثر از عوامل سیاسی و اقتصادی می‌داند؛ یعنی معتقد است افراد در یک محدوده جغرافیای سیاسی، اجتماعی و ملی، به کنش مذهبی خاصی مبادرت می‌ورزند (وبر، ۱۹۷۶، ص ۲۶۹-۲۶۸). وبر استدلال می‌کند که هر چقدر در جامعه ارزش‌های مادی گسترش یابند، پایبندی دینی افراد هم به زوال می‌گرایند (رفیع‌پور، ۱۳۸۲، ص ۳۰۵).

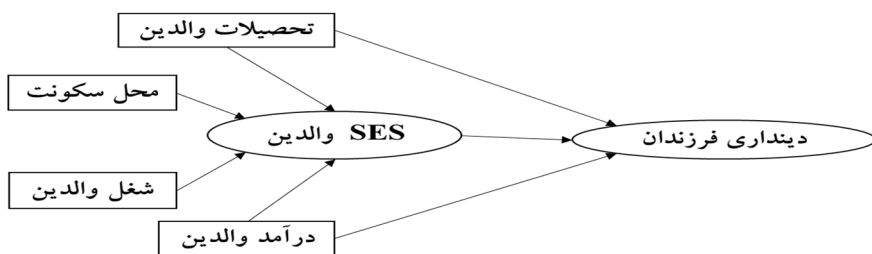
یواخیم واخ معتقد است که با خصوصی شدن فزاینده و گروه‌بندی‌های مشخص مبتنی بر ثروت و مرتبه اجتماعی، تغییر در مفاهیم، مؤسسات، عادات و رسوم دینی در قشرهای مختلف جامعه روی می‌دهد (واخ، ۱۳۸۰، ص ۲۴۶-۲۰۱). هالامی و آرجیل در بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر نگرش‌های دینی استدلال می‌کنند که تأثیر تفاوت طبقاتی در مذهب به صورت کیفی و کمی است. آنان با توجه خاص به تأثیر خانواده بر روی اعضا، بیان می‌کنند که دیگران مهم، به‌ویژه والدین، بر شناخت و چگونگی شکل‌گیری هویت اعضای خانواده، تأثیر می‌گذارند. به‌زعم ایشان، فرزندان پیش از اینکه مجموعه خاصی از اعتقادات را کسب کنند، از وابستگی گروهی (دین، طبقه و قومیت) آگاه می‌شوند. آنان نهایتاً بر رابطه میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت مذهبی تأکید می‌کنند (هالامی و آرجیل، ۱۹۹۵، ص ۷۵۶-۷۵۵).

پارسونز در طراحی نظام سببیتیکی خود بر رابطه دیالکتیکی خرده‌نظام‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأکید می‌ورزد. تحول و تغییر در یک خرده‌نظام، زمینه‌ساز پویایی دیگر خرده‌نظام‌ها

و نهایتاً کل سیستم می‌شود. براین‌اساس تغییر در نهادهای اقتصادی و اجتماعی، موجب تغییر در دینداری به‌منزله عنصری مؤثر در خرده‌نظام فرهنگی خواهد شد (پارسونز، ۱۹۵۵، ص ۲۸). جین اسنایدر می‌گوید شیوه تفکر مردم درباره قلمرو روحانی و مفهوم‌سازی قدرت‌ها، متأثر از دنیای در حال زیست آنهاست. آدی به تأثیر شرایط زندگی منتج از قشربندی جوامع بر گرایش‌های دینی انسان‌ها تأکید می‌کند. وی معتقد است با افزایش سطح محرومیت و ناکامی، دینداری قوی‌تر و متعالی‌تر می‌گردد. دانیل بیتس معتقد است که نظام‌های دینی، بازتابنده ویژگی‌های اساسی نظم اجتماعی‌اند که در آن ظاهر می‌شوند (افروغ، ۱۳۷۳).

ایتزن نیز معتقد است که تمایل دینی طبقات پایین، کمتر این‌دنیایی و بیشتر دینی است. دین قسمت بیشتری از زندگی افراد در طبقات پایین را نسبت به اشخاص مرفه‌تر پر می‌کند و آنان بیشتر به دلایل دینی به کلیسا می‌روند. به نظر ایتزن، بالا بودن سطح محرومیت و ناکامی منجر به دین متعالی‌تر می‌شود (ایتزن، ۱۹۹۱، ص ۴۷۸). رونالد ال. جانستون بر این نکته تأکید می‌ورزد که نخستین و غالب‌ترین رابطه مشاهده‌شده، بین مذهب و اقتصاد وجود دارد که در این رابطه، اقتصاد بر مذهب تأثیر می‌گذارد. وی معتقد است که مردم گرایش به جست‌وجوی چیزهای متفاوتی در مذهب دارند که به موقعیت طبقه اجتماعی‌شان بستگی دارد. به‌زعم وی، تفاوت‌ها در معنا و بیان مذهب، از طریق طبقه اجتماعی منعکس می‌شود (جانستون، ۱۹۸۸، ص ۱۶۹-۱۷۱).

بر اساس بررسی پیشینه تحقیقاتی و نظریه‌های مرتبط با رابطه میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و دینداری، مدل نظری پژوهش در نمودار زیر ترسیم شده است:



مدل نظری پژوهش

بر اساس مدل نظری پژوهش، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- به نظر می‌رسد میان تحصیلات والدین و میزان دینداری فرزندان رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

فوق دیپلم و لیسانس و ۵ درصد را دارای فوق لیسانس و بالاتر تشکیل می‌دهند. همچنین بیشترین فراوانی طبقه تحصیلاتی هم برای مادر و هم برای پدر را دبیرستانی و دیپلمه تشکیل می‌دهند.

جدول ۱: بررسی میزان تحصیلات والدین

تحصیلات	پدر		مادر	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بی‌سواد	۷	۲	۷	۲
ابتدائی یا راهنمایی	۶۴	۱۹	۹۶	۲۸
دبیرستان یا دیپلم	۱۳۳	۳۹	۱۵۱	۴۵
فوق دیپلم یا لیسانس	۱۰۱	۳۰	۷۰	۲۰
فوق لیسانس و بالاتر	۳۴	۱۰	۱۵	۵
جمع	۳۳۹	۱۰۰	۳۳۹	۱۰۰

جدول ۲، توزیع فراوانی و میزان درصد شغل والدین را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول در توزیع شغل پدر، ۸ درصد کارگر، ۲۰ درصد کارگر، کشاورز، راننده و مغازه‌دار، ۲۷ درصد شغل آزاد، ۴۳ درصد کارمند و ۹ درصد استاد دانشگاه، پزشک و مهندس هستند. توزیع فراوانی و میزان درصد شغل مادر نیز از قرار ۸۰ درصد خانه‌دار، ۲ درصد شغل آزاد، ۱۴ درصد کارمند و ۳ درصد استاد دانشگاه و پزشک است.

جدول ۲: بررسی شغل والدین

متغیر شغل	شغل			
	پدر		مادر	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خانه‌دار	-	-	۲۷۴	۸۰
کشاورز، راننده، مغازه‌دار، کارگر	۶۸	۲۰	-	-
آزاد	۹۲	۲۷	۸	۲
کارمند	۱۴۷	۴۳	۴۸	۱۴
استاد، پزشک، مهندس	۳۲	۹	۹	۳

جدول ۳، درصد جمعیت نمونه در سطوح مختلف منزلت اجتماعی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های این جدول، ۲ و ۶ درصد در سطح پایین منزلت اجتماعی، ۳۴ درصد در سطح متوسطی از منزلت اجتماعی و ۶۴ درصد در سطح بالایی از منزلت اجتماعی قرار دارند. همچنین براساس یافته‌های این جدول، ۲۶ درصد از کل جمعیت نمونه در سطح پایین SES، ۶۲ درصد در سطح متوسط SES و ۱۲ درصد در سطح بالای SES قرار گرفته‌اند.

- به نظر می‌رسد میان درآمد والدین و میزان دین‌داری فرزندان، رابطه معکوس برقرار است.
 - میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین و میزان دینداری فرزندان رابطه معکوس دیده می‌شود.
 - رابطه میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین و ابعاد اعتقادی، ایمانی، اخلاقی، عبادی و تکلیفی دینداری فرزندان معنادار به نظر می‌رسد.

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش پیمایش و از تکنیک پرسش‌نامه با ۵۱ گویه از طیف لیکرت جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها، از طریق نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های آزمون t، آزمون F (تحلیل واریانس)، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره، استفاده شده است. همچنین برای سنجش روایی و پایایی ابزار، به ترتیب از اعتبار صوری و آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آلفا در ابعاد مختلف اعتقادی، ایمانی، اخلاقی، عبادی و تکلیفی به ترتیب برابر با ۰/۷۷، ۰/۷۰، ۰/۴۴، ۰/۸۰ و ۰/۸۶ محاسبه شده است.

جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر در مقطع پیش‌دانشگاهی شهر شیراز است. بر اساس آمار به‌دست‌آمده از اداره آموزش و پرورش شهر شیراز، تعداد کل این دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ حدود ۱۰۸۱۲ نفر بود که حجم نمونه از طریق فرمول کوکران، ۳۳۹ نفر به دست آمد. این افراد از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و رعایت نسبت هر طبقه در جمعیت آماری، انتخاب شده‌اند.

توصیف داده‌ها

برای تعیین پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین از متغیرهای شغل، تحصیلات، میزان درآمد، هزینه، منزلت اجتماعی، منطقه شهری سکونت، تعداد اعضای خانوار و محل تولد استفاده شده است. جدول ۱، توزیع فراوانی و میزان درصد تحصیلات پدر و مادر پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های جدول، در بررسی میزان تحصیلات پدر، ۲ درصد را بی‌سواد، ۱۹ درصد را دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۳۹ درصد را دبیرستانی و دیپلمه، ۳۰ درصد را دارای فوق دیپلم و لیسانس و ۱۰ درصد را دارای فوق لیسانس و بالاتر تشکیل می‌دهند. بررسی میزان تحصیلات مادر، ۲ درصد را بی‌سواد، ۲۸ درصد را دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۴۵ درصد را دبیرستانی و دیپلمه، ۲۰ درصد را دارای

جدول ۳: بررسی منزلت اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین

متغیر	منزلت اجتماعی	پایگاه اقتصادی - اجتماعی (SES)
پایین	۲	۲۶
متوسط	۳۴	۶۲
بالا	۶۴	۱۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۴، توزیع فراوانی و درصد جمعیت نمونه را در میزان دینداری نشان می‌دهد. مدل دینداری بهره‌گیری شده برای سنجش دینداری، مبنی بر مدل دینداری شجاعی‌زند است. وی دینداری را به پنج بُعد اعتقادی، ایمانی، اخلاقی، تکلیفی و عبادی تقسیم کرده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴). میزان دینداری کلی نیز بر حسب مجموع نمرات افراد در ابعاد پنج‌گانه دینداری به دست آمده است. از آنجاکه سهم هریک از ابعاد در سنجش میزان دینداری کلی متفاوت است، درصد سهم هریک از ابعاد با اعتبار صوری، بدین قرار تعیین شده است: بعد اعتقادی با ۱۵ درصد سهم، ایمانی ۳۰ درصد، اخلاقی ۳۰ درصد، عبادی ۱۰ درصد و تکلیفی ۱۵ درصد. همچنین جهت تعیین میزان دینداری در ابعاد مختلف دینداری سهم و وزن هریک از شاخص‌ها در ابعاد دینداری نیز رعایت شده است. جهت تعیین سهم هریک از طبقات میزان دینداری، حد فاصل میان کمترین و بیشترین نمره به پنج دسته تقسیم شد؛ سپس بر اساس نمره احتسابی هر فرد، هریک در طبقه‌ای قرار گرفت (جانعلی‌زاده و میرزاپوری، ۱۳۹۳). بر اساس یافته‌های جدول، قوی‌ترین و ضعیف‌ترین بعد دینداری جمعیت نمونه را به ترتیب ابعاد اعتقادی و تکلیفی تشکیل می‌دهند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نمره افراد در دینداری تقریباً بالاست.

جدول ۴: میزان دین‌داری پاسخ‌گویان

میزان دینداری	ابعاد دینداری				
	اعتقادی	ایمانی	اخلاقی	عبادی	تکلیفی
پایین	۲	۴	۴	۱۰	۷
متوسط رو به پایین	۴	۱۵	۱۹	۱۰	۲۱
متوسط	۱۳	۲۳	۳۷	۲۴	۳۱
متوسط رو به بالا	۲۴	۳۳	۲۸	۳۱	۳۹
بالا	۶۷	۲۵	۱۲	۲۵	۱۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۹۰	۸۰	۷۶	۶۹	۶۵

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق، از تحلیل دومتغیره و چندمتغیره استفاده شده است. با توجه به نوع متغیر در تجزیه و تحلیل دومتغیره از آزمون F و ضریب همبستگی پیرسون (R) استفاده شد.

جدول ۵: رابطه بین درآمد والدین و میزان دینداری فرزندان

نوع متغیر	درآمد والدین و میزان دینداری
ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۳۸
سطح معناداری (Sig)	۰/۰۱۱

جدول ۵، نتایج ضریب همبستگی پیرسون را در رابطه بین درآمد والدین و میزان دینداری فرزندان نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین درآمد والدین و میزان دینداری فرزندان منفی است که نشان‌دهنده رابطه معکوس میان درآمد والدین و میزان دینداری فرزندان است؛ یعنی هرچقدر درآمد والدین افزایش پیدا کند، میزان دینداری فرزندان کاهش می‌یابد. همچنین سطح معناداری این رابطه در سطح معناداری بالای ۰/۹۵ قابل تعمیم به جامعه آماری است. در نتیجه بین درآمد والدین و میزان دینداری فرزندان، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

جدول ۶: رابطه بین تحصیلات والدین و میزان دینداری فرزندان

نوع متغیر	تحصیلات پدر	تحصیلات مادر
آزمون F	۵/۱۱۰	۷/۲۰۷
سطح معناداری (Sig)	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰

جدول ۶، نتایج آزمون F را در رابطه میان ارتباط بین تحصیلات والدین و میزان دینداری کلی فرزندان نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سطح معناداری تفاوت میانگین‌ها در متغیرهای تحصیلات پدر و تحصیلات مادر با میزان دین‌داری در سطح معناداری بالای ۹۹۹ هزارم قابل تعمیم به جامعه آماری است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به احتمال ۰/۹۹ فرضیه صفر (H_0) در رابطه بین تحصیلات والدین و میزان دینداری فرزندان رد می‌شود؛ یعنی در جمعیت بین میانگین میزان دینداری در سطح مختلف تحصیلات پدر و مادر تفاوت معناداری وجود دارد. به بیان دیگر بین متغیرهای تحصیلات پدر و تحصیلات مادر با میزان دینداری کلی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

جدول ۷: رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین و میزان دینداری فرزندان

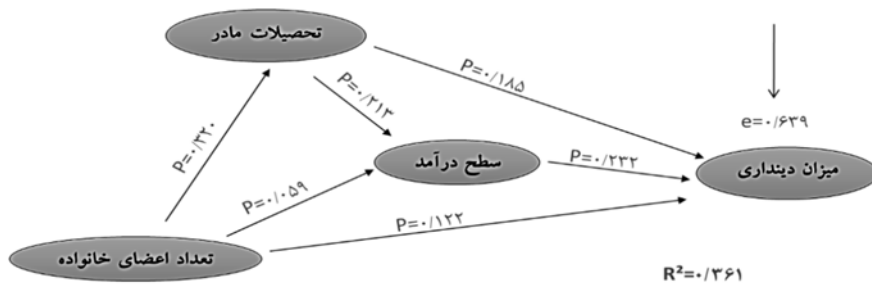
ابعاد دینداری	اعتقادی	ایمانی	اخلاقی	عبادی	تکلیفی	میزان دینداری
ضریب پیرسون	-۰/۱۵۶	-۰/۱۴۶	-۰/۰۴۷	-۰/۲۰۶	-۰/۲۷۷	-۰/۲۰۱
سطح معناداری (Sig)	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۳۸۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

جدول ۸: ضریب تعیین و ضرایب بتای مدل

سطح معناداری (Sig)	آزمون t	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	
۰/۰۰۰				ضریب
۰/۰۰۰	۱۳/۷۲۵		۵/۳۴۸	مقدار ثابت
۰/۰۲۶	-۲/۲۴۳	-۰/۱۲۲	۱/۰۲۱	تعداد اعضای خانواده
۰/۱۲۹	۱/۵۲۴	۰/۰۸۱	۰/۱۴۳۱	منزلت اجتماعی
۰/۳۷۴	-۰/۸۹۱	-۰/۰۵۰	۰/۶۹۴	منطقه سکونت
۰/۰۰۰	-۴/۳۲۶	-۰/۲۳۲	۰/۰۰۰	درآمد والدین
۰/۰۱۲	-۲/۵۱۶	-۰/۱۸۵	۰/۴۰۹	تحصیلات مادر
۰/۵۸۷	۰/۵۴۳	۰/۰۳۷	۰/۶۴۵	شغل مادر

همچنین بر اساس این جدول، ضریب α (عرض از مبدأ یا مقدار ثابت) برابر با $۷۳/۴۰۲$ در سطح معناداری بالای $۰/۹۹$ است؛ بدین معنا که وقتی مقدار متغیرهای مستقل وارد شده در مدل صفر باشد، میزان دین‌داری برابر با $۷۳/۴۰۲$ است. ضریب بتا در متغیرهای تعداد اعضای خانواده، تحصیلات مادر، منطقه سکونت و سطح درآمد والدین منفی است، که نشان می‌دهد میان این متغیرها و میزان دین‌داری رابطه معکوس وجود دارد؛ ولی ضریب بتا در متغیرهای شغل مادر و منزلت اجتماعی مثبت است، که نشان می‌دهد میان این متغیرها و میزان دین‌داری رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین مقدار آزمون t سطح درآمد والدین در سطح معناداری بالای $۰/۹۹$ و مقدار آزمون t در متغیرهای تحصیلات مادر و تعداد اعضای خانواده در سطح معناداری بالای $۰/۹۵$ قابل تعمیم به جامعه آماری است.

نمودار تحلیل مسیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین و میزان دین‌داری فرزندان



نمودار بالا، تحلیل مسیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین و میزان دین‌داری فرزندان را نمایش می‌دهد. مطابق نمودار، سه متغیر سطح درآمد، تحصیلات مادر و تعداد اعضای خانواده، که در جدول ضرایب بتا

جدول ۷، ضریب همبستگی پیرسون را در رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین و میزان دین‌داری فرزندان نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سطح معناداری ضریب همبستگی رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین و میزان دین‌داری فرزندان در ابعاد مختلف دین‌داری به جز بعد اخلاقی، کمتر از سطح معناداری $۰/۰۵$ است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به احتمال $۰/۹۵$ فرضیه صفر (H_0) در ابعاد اعتقادی، ایمانی، عبادی، تکلیفی و میزان دین‌داری کلی رد می‌شود؛ یعنی در جمعیت بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین و میزان دین‌داری فرزندان در ابعاد مختلف دین‌داری، به جز بعد اخلاقی همبستگی وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین و میزان دین‌داری فرزندان در ابعاد مختلف منفی است که این نشان‌دهنده رابطه معکوس میان پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین و میزان دین‌داری فرزندان است؛ یعنی هر چقدر پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین افزایش یابد، میزان دین‌داری فرزندان کاهش پیدا می‌کند. در نتیجه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین و میزان دین‌داری فرزندان رابطه‌ای معنادار و معکوس وجود دارد.

تکنیک‌های چندمتغیره در مواردی که متغیرهای مورد تحلیل بیش از دو متغیر باشند، مورد استفاده قرار می‌گیرند (دواس، ۱۳۸۳، ص ۱۱). در این تحقیق، برای تحلیل رابطه چندمتغیره، از تکنیک رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است و با تشکیل مدلی از روابط میان متغیرهای پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین و میزان دین‌داری فرزندان، به تشریح این رابطه پرداخته می‌شود. شش متغیر تعداد اعضای خانواده، تحصیلات مادر، شغل مادر، منطقه سکونت، سطح درآمد والدین و منزلت اجتماعی به منزله متغیر مستقل، و میزان دین‌داری به منزله متغیر وابسته، متغیرهایی هستند که وارد مدل در رابطه رگرسیون چندمتغیره شده‌اند. مقادیر آماره‌های توصیف استنباطی مدل چندمتغیره پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین و میزان دین‌داری فرزندان در جداول بعد آمده است.

جدول ۸، آماره‌های مرتبط با ضریب تعیین و ضریب بتای مدل را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، شاخص برازندگی مدل $۰/۳۶۱$ است که نشان می‌دهد متغیرهای وارد شده به مدل، حدود $۰/۳۶۱$ از تغییرات میزان دین‌داری را تبیین می‌کنند، بدان معنا که $۰/۳۶۱$ از تفاوت میزان دین‌داری در افراد ناشی از میزان تغییرات در متغیرهای مستقل وارد شده به مدل است. از آنجا که سطح معناداری (Sig) مدل بالای $۰/۹۹$ است، نشان می‌دهد مدل، قابل قبول و قابل تعمیم به جامعه آماری است.

مدل دارای سطح معناداری بالای ۰/۹۵ بوده‌اند، به‌منزله متغیر مستقل، و میزان دین‌داری به‌منزله متغیر وابسته قرار گرفته‌اند. متغیرهای تحصیلات مادر و تعداد اعضای خانواده علاوه بر تأثیر مستقیم بر میزان دین‌داری، از طریق سطح درآمد والدین نیز تأثیر غیرمستقیم بر آن می‌گذارند. تعداد اعضای خانواده نیز علاوه بر تأثیر مستقیم بر میزان دین‌داری، از طریق سطح درآمد والدین و تحصیلات مادر نیز بر آن تأثیر غیرمستقیم می‌گذارد. مقدار عوامل ناشناخته تغییرات میزان دین‌داری نیز برابر با ۰/۶۳۹ است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین بر میزان و ابعاد دین‌داری فرزندان، با جمعیت نمونه ۳۳۹ نفری از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر شیراز انجام شد. مدل نظری به‌کارگیری‌شده، تلفیقی از نظریات قشریندی اجتماعی و دین‌داری بود که در آن از روش پیمایش و تکنیک پرسش‌نامه، جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. شاخصه‌های پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین به عنوان متغیر مستقل و میزان دین‌داری فرزندان، که حاصل جمع نمرات پاسخ‌گویان در پنج بُعد اعتقادی، ایمانی، اخلاقی، عبادی و تکلیفی است، به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. با توجه به نظریه‌های بررسی‌شده و تدوین مدل نظری پژوهش، پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین با متغیرهایی مانند منزلت اجتماعی، تحصیلات والدین، شغل والدین، منطقه سکونت، درآمد، محل تولد و تعداد اعضای خانواده سنجیده شد.

بررسی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان تحصیلات والدین، میزان درآمد والدین و پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین با دین‌داری فرزندان رابطه معناداری وجود دارد؛ به‌طوری‌که میان دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سطح درآمد والدین با میزان دین‌داری فرزندان رابطه معکوس حاکم است؛ به این معنا که هر چقدر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سطح درآمد والدین افزایش یابد، میزان دین‌داری فرزندان کاهش پیدا می‌کند. این رابطه معکوس و معنادار، میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین با همه ابعاد دین‌داری فرزندان به‌جز بُعد اخلاقی قابل مشاهده است.

نتایج این پژوهش، نقش تعیین‌کننده والدین را در تربیت و جامعه‌پذیری دینی فرزندان تأیید می‌کند. جامعه مدرن با تغییرات اساسی در سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی والدین، زمینه را برای تغییر عینیت و ذهنیت خانواده فراهم می‌آورد. سطوح متمایز پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین، موجب به‌کارگیری شیوه‌ها و ابزارهای خاصی در تربیت و انتقال مفاهیم و ذهنیت مذهبی می‌شود. این روند به جای‌گیری ابعاد خاصی از دین‌داری در سطوح مختلف پایگاه اقتصادی - اجتماعی می‌انجامد؛ به‌طوری‌که دین‌داری

فرزندان، در سطوح بالای پایگاه SES والدین، در ابعاد اعتقادی و ایمانی نسبت به ابعاد عبادی و تکلیفی قوی‌تر است؛ ولی در دین‌داری فرزندان در سطوح پایین پایگاه SES والدین، تمایز چندانی میان ابعاد مختلف دین‌داری وجود ندارد.

نتایج این پژوهش می‌تواند افول میزان دین‌داری را همراه با گسترش روند توسعه اقتصادی - اجتماعی در ایران پیش‌بینی کند. آموزش‌های رسمی و تحصیلات دانشگاهی به همراه توسعه رفاه اقتصادی، زمینه کاهش میزان دین‌داری و چرخش دین‌داری به ابعاد اعتقادی و ایمانی را فراهم می‌آورد. حال این پرسش مطرح می‌شود که روند افزایش سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی والدین چگونه به کاهش دین‌داری فرزندان می‌انجامد؟ چه متغیرهای واسطی، زمینه را برای چنین تغییراتی تسریع می‌بخشد؟ آیا با گسترش روند توسعه‌ای عناصر مدرن در جامعه ایران، باید منتظر روند نزولی دین‌داری و تغییر بنیادین نوع دین‌داری در این جامعه بود؟ این پژوهش با اعمال تکنیک وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی دین‌داری در سنجش میزان دین‌داری آزمودنی‌ها سعی در سنجش دقیق‌تر دین‌داری داشته است که یکی از نوآوری‌های این پژوهش نسبت به دیگر پژوهش‌های داخلی و خارجی به‌شمار می‌آید. توجه به منزلت اجتماعی و به‌کارگیری متغیرهای مقتضی جامعه ایران در تعیین پایگاه اقتصادی - اجتماعی از دیگر نوآوری‌های این پژوهش بوده است.

منابع

- افروغ، عماد، ۱۳۷۳، *دین و قشر‌بندی اجتماعی*، تهران، راهبرد.
- جانعلی‌زاده چوبستی، حیدر و جابر میرزاپوری ولوکلا، ۱۳۹۳، «تأثیر وزن‌دهی سنج‌های و ابعادی بر سنجش میزان دینداری»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم، ش ۲، ص ۷-۲۴.
- دواس، دی‌ای، ۱۳۸۳، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، چ پنجم، تهران، نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۲، *آنتومومی جامعه*، چ سوم، تهران، انتشار.
- شجاعی‌زند، علیرضا، ۱۳۸۴، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، ش ۱، ص ۳۴-۶۶.
- کشاوری، ام‌الله، ۱۳۷۹، *بررسی جامعه‌شناختی میزان تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر نگرش دینی دانشجویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه شیراز.
- نیک‌خواه، هدایت‌الله، ۱۳۸۰، *سنجش دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- واخ، یوآخیم، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه جمشید آزادگان، تهران، سمت.
- همیلتون، ملکم، ۱۳۸۷، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، ثالث.
- Ashley, D, 1995, *Sociological Theory*, allyn and Bacon parness.
- Berger, Peter L, 1974, Some Second Thoughts on Substantive versus Functional Definitions Of Religion, *Journal For the Scientific Study of Religion*, v. 13, N. 2, p. 125-133.
- Coleman, J, 1988, Social Captial and the Creation of Human Captial, *American Journal of Sociology*, v. 94, p. 95-120.
- Eitzwn, 1991, *In conflict and order.fifth edition*, boston: all yn and baccon.
- Hallahmi, B, & argyle, M, 1997, *The psychology of religious behavior,belief and experience*, london, by routlege.
- Jonston, R. L, 1988, *Religion in society*, usa Prentice Hall.
- Lerner, R. M, & Spanier, G. B, 1980, *Adolescent development: A Life-apan perspective*, New York: McGraw-Hill.
- Parsons, 1955, Family, *Socialization and interaction process*, The free press, New York.
- Putnam, R. D, 2000, *Bowling Alone: the collapse and revival of American community*, Simon and Schuster, New York.
- Roberts, B.R, 1987, A Confirmatory Factor-Analytic Model Of Alienation, *Social Psychology Quarterly*, v. 50 , N. 4 , p. 346-351.
- Spilka, B, & et al, 2003, *The Psychology Of Religion(3 Edition)*, NY: Guilford.
- Swatos, w, 1998, *Encyclopedia of religion and society jreditor*, altamira press.
- Weber, max, 1967, *The social psychology of the world religion, in gerth and mills*, oxford university press.